

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

پنج توصیه امام جواد علیه السلام



کانال فیش منبر در ایتا



<https://eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = سایت طلبه یار

همواره کسانی که به محضر اولیاء الهی، به خصوص رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام مشرف می شدند، از ایشان تقاضای پند و اندرز یا نصیحتی می کردند تا در سایه نورانیت آن بزرگواران و مضامین عالیة کلامشان، قدم به قدم، وادی سلوک و تعالی را طی کرده و از رحمت خاصه الهی بهره مند گردند.

نیازهای انسان به پند و اندرز

پند و اندرز در زندگی انسان بسیار اهمیت دارد؛ چنانچه امام جواد علیه السلام در اهمیت این امر می فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ وَ وَاَعْظَمُ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولِ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ»؛ (۱) مؤمن به توفیق از طرف خداوند و پندگویی از طرف خودش و پذیرش از هر کسی که به وی اندرز دهد، نیازمند است.

امام جواد علیه السلام در این روایت سه نکته مهم در سیر اخلاقی را بیان می فرماید:

۱. توفیق الهی؛ ۲. پندگویی از جانب خویش؛ ۳. قبول کردن از کسی که او را نصیحت می کند.

امام باقر علیه السلام نیز در اهمیت پند دادن مؤمن به نفس خود می فرماید: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَأَعْظَمًا فَإِنَّ مَوَاعِظَ النَّاسِ لَنْ

تُغْنِيَ عَنْهُ شَيْئاً؛ (۲) هر کسی که خداوند برای او از خویش پنددهنده ای قرار ندهد، پنندهای مردم او را از چیز دیگری بی نیاز نمی کند.

پس با توجه به این روایت یکی از شرایط پندپذیری از دیگران آن است که ابتدا مؤمن خود، پنددهندهٔ نفس خویش باشد؛ یعنی در واقع مؤمن بیدار بوده و قبل از اینکه دیگران عیوب و بدی ها او را ببینند، به عیوب خوب واقف باشد.

ابن سینا نیز در کتاب اشارات و عظمیات العارفین، وقتی سعی در برهانی کردن عرفان دارد، بیان می کند که پند و اندرزی که از واعظ پاک و البته همراه با بلاغت ارائه گردد، می تواند نقش مؤثری در تابع ساختن نفس اماره برای نفس مطمئنه داشته باشد (۳).

از آنچه ذکر شد اهمیت پند و اندرز در سیرهٔ اخلاقی و عرفانی بیشتر روشن می گردد.

وصیت اخلاقی امام جواد علیه السلام

پس از این مقدمه شرح یکی از وصایای نورانی امام جواد علیه السلام ارائه می گردد.

« قَالَ لِلجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ: أَوْصِنِي قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ تَقَبَّلُ؟ قَالَ؛ نَعَمْ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ تَوَسَّدَ الصَّبْرَ وَ اعْتَنَقَ الْفَقْرَ وَ أَرْفَضَ الشَّهَوَاتِ وَ خَالَفَ الْهَوَى

وَاعْلَمَ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَانظُرْ كَيْفَ تَكُونُ؛ (۴) مردی به حضرت جواد علیه السلام عرض کرد: مرا سفارشی بفرمایید. امام علیه السلام فرمود: می پذیری؟. گفت: آری. فرمود: تکیه بر صبر کن و به فقرا درآویز و شهوات را رها کن و مخالفت با هوای نفس نما و بدان که تو از دید خداوند مخفی نیستی، دقت کن چگونه باید باشی.

در کلام نورانی امام جواد علیه السلام، پنج اصل اخلاقی مطرح گشته که تشریح هر کدام بیان می شود:

۱. اصبر.

لحظه لحظه سلوک اخلاقی مؤمن، در بستر صبر شکل می گیرد؛ به طوری که وی به هر اندازه از مقام صبر دور باشد، افعال وی نیز ناقص تر می گردد؛ و از این روی امام جواد علیه السلام فرمودند: «تَوَسَّدِ الصَّبْرَ»؛ صبر را بالش خود قرار بده.

این تشبیه از آن رو است که چون آرامش و قرار جسمی انسان، با تکیه بر بالش است، مؤمن در رسیدن به آرامش روحی نیز، نیاز به تکیه گاهی چون صبر دارد.

وقتی از رسول خدا صلی الله علیه وآله سؤال می شود: ایمان چیست؟. ایشان می فرمایند: «الصَّبْرُ» (۵) .»

زیباتر آنکه امیرالمؤمنین علیه السلام راه رسیدن به لقای الهی را نیز صبر می داند؛ آنجا که می فرمایند: «مَنْ صَبَرَ عَلَى اللَّهِ وَصَلَ إِلَيْهِ»؛ (۶) هر که برای (وصال به) خدا صبر کند، به او می رسد.

پس حقیقت آن است که صبر با هر نوعش (صبر بر گناه و معصیت یا صبر بر مصیبت) بهترین بستری است که می تواند خواستگاه رشد جوانه های ایمان باشد.

۲. فقر

از اموری که باعث تزییع عزّت برخی مؤمنان ضعیف الایمان می شود و یا در سلوک اخلاقی آنها خلل ایجاد می کند، فقر و مشکلات مادی است.

در نتیجه، آن امام همام علیه السلام فرمودند: «اعْتَنِقِ الْفَقْرَ»؛ (ای مؤمن!) فقر را در آغوش بگیر.

به بیان دیگر اگر فقر و تنگدستی، تحمّل شود؛ اولاً، عزّتمندی مؤمن را به همراه دارد و ثانیاً، مانع رشد اخلاقی و تکامل سالک نمی شود.

بر اساس حکمت و معارف توحیدی برخاسته از مکتب اهل بیت علیهم السلام، این بند از روایت را به مفهوم دیگری نیز می توان تفسیر نمود؛ و آن اینکه انسان سالک الی الله، «فقیر بالذات» است، در مقابل خداوند متعال که

«غنی بالذات» است؛ و بر این اساس، خود را نیازمند و محتاج دانسته و بسیاری از خودسری‌ها و خودبینی‌های او از بین می‌رود.

بیان نورانی امام الموحّدین حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه بیان گر همین مطلب است که می‌فرماید: «مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا! أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ»؛ (۷) مولاى من اى مولاى من! تو بى نیازی و من فقیرم و آیا ترحم می‌کند بر فقیر به جز کسی که بى نیاز است.

۳. دوری از شهوات

یکی از اصول مهم در راه کسب اخلاقیات، عدم دخالت شهوات در افعال و کردار فرد می‌باشد؛ زیر خواسته‌های شهوانی، رنگ و بوی منیت و انانیت دارد و انسان را از کسب معارف حقّه الهی دور می‌سازد؛ حال آنکه امنیت مؤمن، قدم نهادن در حریم الهی است؛ لذا امام جواد علیه السلام در ادامه وصیت خویش فرمودند: «ارْقُضِ الشَّهَوَاتِ»؛ شهوات را به دور انداز و رها کن. یعنی محور و اساس فعالیت‌های مؤمن، خواسته‌های الهی است، نه امیال نفسانی.

۴. مخالفت با هوای نفس

سخت ترین وادی، در مسیر کسب فضائل اخلاقی مخالفت و مبارزه با هوای نفس است، در همین راستا و برای تبیین بیشتر آن، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله، مبارزه با هواهای نفسانی را «جهاد اکبر» نامیده است. (۸)

اهمیت این مسئله بدان حد بوده که آن حضرت به همین مقدار کفایت نکرده و برای تبیین بیشتر آن فرموده اند:

«أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»؛ (۹) دشمن ترین دشمنانت، نفس تو است که در بین دو پهلوئی تو قرار دارد.

از این رو، یکی دیگر از اصولی که امام جواد علیه السلام در وصیت اخلاقی خویش بیان نمودند این کلام نورانی است که: «خَالَفِ الْهَوَىٰ»؛ با هوای نفس مخالفت کن.

رسول الله صلی الله علیه وآله در کلام نورانی دیگری، از مبارزه با نفس به عنوان برترین جهاد یاد می کنند و می فرمایند: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ أَنْ تُجَاهِدَ نَفْسَكَ وَهَوَاكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ تَعَالَى»؛ (۱۰) برترین جهاد این است که به خاطر خدای تعالی با نفس و هوای نفسانیت مبارزه کنی. به تعبیر دیگر، باید اولین کار و آخرین کار مؤمن، جهاد با نفس باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: «أَوَّلَ مَا تَنْكُرُونَ مِنَ الْجِهَادِ، جِهَادُ أَنْفُسِكُمْ آخِرَ مَا تَفْقِدُونَ مُجَاهِدَةً أَهْوَائِكُمْ وَطَاعَةَ أَوْلِيَ الْأَمْرِ

مِنْكُمْ؛ (۱۱) نخستین جهادی که آن را ناخوش می دارید، جهاد با نفسهایتان، و آخرین چیزی که گم می کنید، مبارزه با خواهشهایتان و اطاعت از اولی الامر تان است.

پس مخالفت با هوای نفس و صد البته رها نمودن شهوات، راه را برای وصال و لقای الهی هموار می سازد.

۵. حضور در محضر الهی

آنچه بیشتر از همه برای سالک اهمیت داشته و در تمامی لحظات نباید از آن غافل باشد، دقت در این امر است که بداند، همیشه در محضر الهی به سر می برد، و در منظر و مرئای او است.

امام جواد علیه السلام فرمودند: «اعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَإِنْظِرْ كَيْفَ تَكُونُ»؛ بدان که در برابر دیده خدایی و متوجه باش که چگونه ای.

گفتار نورانی ای که از حضرت امام خمینی (ره) به یادگار مانده است نیز، احتمالاً برداشتی از این روایت امام جواد علیه السلام بوده است که فرمودند: «عالم محضر خدا است، در محضر خدا معصیت نکنید.»

بر اساس این بخش از گفتار نورانی امام جواد علیه السلام، می توان نتیجه گرفت که یکی از عوامل گناه، می تواند غفلت از حضور در محضر الهی باشد.

سالک باید از دستوری که اهل سلوک، از آن با عنوان «مراقبه» یاد می کنند و آن را مایهٔ سعادت و رکن عمدهٔ سیر و سلوک می خوانند، کمک بگیرد و در هر لحظه و در هر جایی و در هر حالی که هست، همواره خود را در محضر الهی بداند تا بدین ترتیب غفلت را که زمینه ساز گناهان و تخلفات است، از وجود خویش دور سازد.

امام صادق علیه السلام به اسحاق بن عمار فرمودند: «يَا إِسْحَاقُ خَفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ بَرَزْتَ لَهُ بِالْمَعْصِيَةِ فَقَدْ جَعَلْتَهُ مِنْ أَهْوَنِ النَّاظِرِينَ عَلَيْكَ»؛ (۱۲) ای اسحاق! به گونه ای از خدا بترس که گویا او را می بینی؛ هر چند تو او را نمی بینی، ولی او تو را می بیند، و اگر معتقد باشی که او تو را نمی بیند، بی شک به او کفر ورزیده ای، و اگر بدانی که او تو را می بیند و آن گاه در حضور او معصیت کنی، بی تردید او را از بی ارزش ترین بینندگان قرار داده ای.

پس؛

الهی! به حق خودت حضورم ده و از جمال آفتاب آفرینت نورم ده.

الهی! چون تو حاضری چه جویم و چون تو ناظری چه گویم (۱۳).

پی نوشت:

(۱ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، تصحیح استاد علی اکبر غفاری، ترجمه آیت الله کمره ای، ص ۴۵۷.

(۲ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۳۰۲.

(۳ شرح الاشارات والتنبيهات، خواجه نصیرالدین طوسی، تحقیق استاد حسن زاده آملی، ص ۱۰۵۴.

(۴ بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۵۸.

(۵ میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ترجمه حمید رضا شیخی، ۱۳۷۹، چ دوم، ۶۹۰، ص ۲۹۵۸.

(۶ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۰.

(۷ مفاتیح الجنان، اعمال مسجد بزرگ کوفه، مناجات حضرت امیر المؤمنین، ص ۷۰۷.

(۸ جامع الصغیر، جلال الدین سیوطی، تصحیح احمد سعد علی، چ ۴، ج ۲، ص ۸۵.

(۹ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۶۸، ص ۶۴.

(۱۰ میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۲، ص ۸۵۴.

(۱۱ همان، ج ۲، ص ۸۵۱ - ۸۵۰.

(۱۲ اصول کافی، کلینی، تصحیح استاد حسن زاده آملی، ج ۲، ص ۵۵.

(۱۳ الهی نامه، علامه حسن زاده آملی، ص ۴ و ۳.